

## داووس - ۲۰۰۱

# اقتصاد جهانی نئولبرال

دکتر پیروز ایزدی

کوهستانی سوییس بنام «داووس» (Davos) دعوت نمود. این اجلاس قرار بود در ژانویه ۱۹۷۱ برگزار شود. هدف اواز برگزاری این گردهمایی عبارت بود از بحث پیرامون اتخاذ یک راهبرد واحد برای مؤسسات بازرگانی اروپایی جهت مقابله با چالش‌های موجود در بازارهای بین‌المللی. او در این راه حمایت کمیسیون جامعه اروپایی (Commission of the European Communities) را کسب کرد و مورد تشویق انجمن‌های صنعتی اروپا قرار گرفت و بدین ترتیب بود که «مجمع اقتصاد جهانی» شکل گرفت.

در سال ۱۹۷۳ مجامعی در سطح کشورها پدید آمد تا محلی برای تجمع و گردهمایی اعضای جامعه بازرگانی بین‌المللی با رهبران سیاسی و

**مجمع اقتصاد جهانی\* در یک نگاه**  
مجمع اقتصاد جهانی، بنیادی مستقل و غیرانتفاعی است. هدف از تأسیس آن عبارت از پرورش روحیه کارآفرینی در راستای منافع عموم جهانیان از طریق افزایش رشد اقتصادی و نیل به پیشرفت اجتماعی است. این مجمع دربرگیرنده محافل بازرگانی، سیاسی و روشنفکری است که متعهد به بهبود وضعیت کنونی جهان هستند.

### تاریخچه

در سال ۱۹۷۰ کلاوس شواب (Klaus Schwab)، استاد مدیریت بازرگانی، دست به ابتکاری جالب زد و مدیران اجرایی اروپایی را به یک گردهمایی غیررسمی در یکی از شهرهای

\*. World Economic Forum

اقتصادی هر یک از کشورها باشد. تا سال ۱۹۹۵ بیش از ۵۰۰ مورد از این گردهمایی برگزار شده بود. پس از شوک نفتی به تدریج توجه مجمع اقتصاد جهانی از مسایل مدیریتی فراتر رفت و به موضوعات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نیز جلب گردید و به ویژه فعالیت‌های مجمع برای مقابله با چالش‌های زیست محیطی آغاز شد.

در سال ۱۹۷۶ با برگزاری نخستین سمپوزیوم رهبران بازرگانی عرب و اروپایی در مونتر و نیز برگزاری نخستین سمپوزیوم رهبران بازرگانی آمریکای لاتین و اروپایی در سال ۱۹۷۷، فعالیت‌های مجمع ابعادی بین‌المللی به خود گرفت.

در سال ۱۹۷۹ انتشار نخستین گزارش سالانه پیرامون رقابت جهانی نویدبخش آغاز فعالیت‌های پژوهشی مجمع بود. در همین اوان بود که مجمع اقتصاد جهانی همکاری‌های خود را با کمیسیون‌های اقتصادی کشور چین آغاز کرد و بدین ترتیب در زمینه اصلاحات در چین نقش بسیار فعال و مؤثری ایفا کند.

در سال ۱۹۸۲ نخستین گردهمایی غیررسمی رهبران اقتصادی جهان در کنار اجلاس سالانه آن برگزار شد و در طی آن اعضای کابینه کشورهای بزرگ با رؤسای سازمان‌های بین‌المللی (نظیر بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و گات) ملاقات کردند. در همین سال، مجمع گردهمایی ویژه غیررسمی وزرای بازرگانی ۱۷ کشور را در شهر لوزان سازمان داد که پیش زمینه‌ای برای شروع مذاکرات دور

اروگوئه بود.

در سال ۱۹۸۸ مجله «ورلد لینک» (World Link) منتشر شد و وظیفه اطلاع‌رسانی برای ۳۵۰۰۰ تصمیم‌گیرنده در زمینه امور بازرگانی و اقتصادی در سطح جهانی را به عهده گرفت و به فعالیت‌های انتشاراتی این مجمع بعدی جدید بخشید.

در همین زمان بود که اجلاس‌های سالانه مجمع در «داووس» به محلی برای فیصله دادن به اختلافات میان کشورهای تبدیل شد. امضای «اعلامیه داووس» توسط نخست‌وزیران ترکیه و یونان، اوزال و پاپاندرئو در اجلاس ۱۹۸۸ از بروز جنگ میان این دو کشور جلوگیری کرد. اجلاس ۱۹۸۹ شاهد نخستین ملاقات بین مقامات دو کره در سطح وزارتی بود و در اجلاس ۱۹۹۰ با انجام ملاقات بین هلموت کهل، صدر اعظم آلمان غربی و هانس مودرو، نخست‌وزیر آلمان شرقی فرآیند وحدت دو آلمان سرعت پیدا کرد. در همین اجلاس بود که تماس‌های دوجانبه زمینه‌رابر برای عادی‌سازی روابط با ویتنام فراهم نمود. در همین راستا، طی ملاقات‌هایی که در حاشیه اجلاس‌های سالانه مجمع برگزار شد، فرآیند گذار به دموکراسی در آفریقای جنوبی و توافق میان فلسطینی‌ها و اسرائیل بر سر خودگردانی غزه و اریحا تسهیل گردید.

نقطه عطف دیگر در تاریخچه مجمع در سال ۱۹۹۰ روی داد و آن برگزاری بی‌سابقه اجلاس سران کشورهای اروپایی بود که متعاقب آن فعالیت‌های چشمگیری در زمینه وارد کردن

کشورهای اروپای شرقی و مرکزی و نیز اتحاد شوروی سابق در اقتصاد جهانی صورت گرفت.

### اعضا و شرکا

اعضا و شرکای مجمع فعالیت‌های اصلی آن را هدایت می‌کنند و وظیفه شناسایی و تدوین پاسخ‌ها و مسایل مهم مندرج در برنامه کار جهانی را بر عهده دارند. آنها به شبکه اطلاعاتی مجمع دسترسی داشته و در جلسات منطقه‌ای و جهانی آن شرکت می‌جویند. این اعضا و شرکا متعهد به مشارکت در فعالیت‌های مجمع و حمایت مالی از آن هستند.

اعضای مجمع در کنار کمک به اهداف آن از امتیاز تماس با رهبران جهان و دسترسی به اطلاعات دست‌اول برخوردار می‌شوند. هم‌اینک ۱۰۰۰ شرکت بزرگ و متنفذ که در سطح جهانی فعالیت دارند، عضو مجمع هستند. شرکای مجمع نیز در تهیه و تدوین برنامه کار مجمع مشارکت فعال دارند و به گفتگو و همکاری با دیگر اعضای مجمع می‌پردازند، تعداد شرکا محدود است و در سه دسته طبقه‌بندی می‌شوند:

- شرکای استراتژیک

- شرکای اجلاس‌های سالانه

- شرکای اجلاس سران

### افراد و گروه‌های تشکیل دهنده مجمع اقتصاد جهانی

علاوه بر اعضا و شرکا، افراد و سازمان‌های

گونگونی از کلیه بخش‌های جامعه جهانی در مجمع شرکت می‌کنند. این افراد و گروه‌ها با توجه به دانش و دیدگاهی که نسبت به موضوعات مهم و اساسی دارند، در ارتقای کیفیت اجلاس‌ها و فعالیت‌های مجمع نقش بسزایی ایفا می‌کنند. افراد و گروه‌های مزبور عبارت‌اند از:

آکادمی‌های علوم، گروه مشاوره بازرگانی، همکاران مجمع، پژوهشگران مجمع، رهبران جهانی فردا، رهبران رسانه‌ها، چهره‌های دولتی، پیشگامان فن‌آوری.

### مدیریت مجمع

مجمع دارای دو نهاد گرداننده خارجی است که از اعضا تشکیل می‌شوند: هیئت امنای بنیاد و شورای مجمع. هیئت امنای بنیاد به ریاست کارل شواب وظیفه تعیین خطوط اصلی سیاست مجمع را بر عهده دارد و از رهبران و مدیران بخش‌های دولتی و خصوصی بین‌المللی تشکیل می‌شود. این هیئت دارای مسئولیت تعیین جهت‌گیری بلندمدت و اهداف مجمع و ارایه رهنمودهای لازم است.

شورای مجمع، نماینده منافع شرکا و اعضای مجمع است و وظیفه آن به مورد اجرا گذاشتن برنامه استراتژیک مجمع است و دارای مسئولیت خاص درگیر نمودن فعالان و عمیق اعضای مجمع در جهت تحقق اهداف آن می‌باشد.

همچنین مجمع دارای یک هیئت گرداننده داخلی یعنی هیئت مدیره است که دارای

## اجلاس های سالانه مجمع اقتصاد جهانی در

### داووس

همه ساله مجمع اقتصاد جهانی در «داووس» تشکیل جلسه می دهد و در طی این جلسات کارشناسان خبره و رهبران تجاری و سیاسی گرد هم می آیند تا به موضوعات مهم اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بپردازند. در این جلسات چالش های رویاروی رهبران جهان به بحث نهاده می شود و در جهت یافتن راه حل هایی برای آنها تلاش به عمل می آید. این اجلاس سالانه اینک به بزرگترین اجلاس جهانی در زمینه تجارت و بازرگانی تبدیل شده است. حدود ۱۰۰۰ نفر از نخبگان حوزه تجارت و بازرگانی، ۲۵۰ رهبر سیاسی، ۲۵۰ متخصص از محافل دانشگاهی در کلیه حوزه ها از جمله برندگان جایزه نوبل و حدود ۲۵۰ نفر از مدیران رسانه ها در این اجلاس شرکت می جویند تا برنامه کار مسایل مبتلابه جهان را تدوین کنند. آنان، با کمک و هم فکری یکدیگر در پی حل مشکلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جهان برآمده و در این راه از روشی آتیه نگر و عمل-محور بهره می جویند.

بحث ها و مذاکرات این جلسات در بالاترین سطوح و میان شرکت کنندگانی برگزار می شود که تعلق به طبقه تصمیم گیرندگان ارشد دارند. جو حاکم بر مباحثات، جوی بسیار دوستانه است و بیشتر به یک باشگاه شبیه است. چنین جوی برای در پیش گرفتن رهیافتی آتیه نگر در برخورد با مسایل عمده جهانی و نیز ایجاد

مسئولیت نظارت اجرایی و مدیریت امور و منابع مجمع به صورت روزمره است. این هیئت شامل رییس مجمع، مدیران مجمع و هسته ای از مدیران است که دست اندرکار توسعه استراتژیک مجمع می باشند. این هیئت وظیفه امور اجرایی و هماهنگی رابه عهده دارد.

### ابتکارات مجمع اقتصاد جهانی

در طول این سال ها مجمع برای تحقق اهداف خود دست به ابتکاراتی زده است. از جمله این ابتکارات می توان به موارد زیر اشاره کرد:

#### ۱- تشکیل هیئت ویژه بالکان

هدف از تشکیل این هیئت عبارت است از ایجاد یک فضای اقتصادی مشترک و یک اتحادیه گمرکی جهت نیل به هدف نهایی تضمین تجارت آزاد در کل منطقه. این هیئت به ایجاد شرایط لازم جهت جذب منابع مالی صندوق بین المللی پول در منطقه کمک می کند.

#### ۲- تشکیل هیئت ویژه رسیدگی به مسأله شکاف دیجیتالی

این هیئت با تدوین چارچوبی برای اقدام، پیشنهادهایی در زمینه کاهش شکاف دیجیتالی در رابطه با آموزش، اتصال به شبکه و تهیه و تدوین مقررات لازم ارایه داده است.

#### ۳- تجارت و سازمان های غیردولتی: برقراری

#### گفتگوهای غیررسمی

هدف از این ابتکار ایجاد تفاهم بیشتر میان برخی از شرکت های بزرگ بین المللی و برخی از متنفذترین سازمان های غیردولتی است.

ارتباطات جدید بازرگانی بسیار مساعد است. هر ساله در جریان این اجلاس‌ها، ابتکارات جدیدی مطرح می‌شود که دامنه آنها از حوزه مسایل صرفاً تجاری و بازرگانی بسیار فراتر می‌رود. برای مثال، در اجلاس‌های گذشته ابتکاراتی مطرح شد که منتهی به تدوین اصول اخلاقی متعالی‌تری برای تجارت بین‌المللی گردید.

در سال‌های گذشته، موضوعات مطرح شده در جلسات سالانه مجمع اقتصاد جهانی در تعیین روندها نقش به‌سزایی داشته‌اند. برای مثال، موضوع اجلاس سالانه ۱۹۹۶ یعنی «جهانی شدن پایدار» بحثی را در سرتاسر جهان درباره تأثیر و پیامدهای فرآیند جهانی شدن بر انداخت. فرآیندی که هیچ کشوری از آن برکنار نمانده است.

### تاریخچه اجلاس‌های سالانه

طی ۳۰ سال گذشته، مجمع اقتصاد جهانی به صورت نیرویی عمده برای همگرایی اقتصادی در سطح شرکت‌ها و نیز در سطح اقتصاد ملی درآمد است و نقشی کلیدی در شناسایی روندهای جدید در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و شکل دادن به راهبردها و اقدامات برای بنگاه‌ها و شرکت‌ها جهت یکپارچه‌سازی این تغییرات و به‌حداکثر رساندن توان بالقوه آنها ایفا کرده است.

برای مثال، طی دوره ۲۰۰۰-۱۹۹۱، این بنیاد توجه تصمیم‌گیرندگان جهانی را با تمرکز برنامه کار خود برای اقدام بر موضوعات زیر به خود جلب نمود:

- ۱۹۹۱- مسیر جدید برای رهبری جهانی
- ۱۹۹۲- همکاری جهانی و رقابت در سطح کلان
- ۱۹۹۳- تجمع همه نیروها برای بهبود وضعیت جهانی
- ۱۹۹۴- بازتعریف فرضیات بنیادی اقتصاد جهانی

چنان‌که گفته شد، جو دوستانه‌گردهمایی‌های سالانه که بی‌شباهت به جو حاکم در باشگاه‌ها نیست، محیط بسیار مساعدی برای تبادل تجربیات در میان شرکت‌کنندگان جهت ایجاد شبکه‌های بازرگانی و دستیابی به اطلاعات دست اول در مورد آخرین روندها در زمینه امور بازرگانی، مدیریتی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی فراهم می‌سازد. «روحیه داووس» اینک مفهوم منحصر به فردی محسوب می‌شود که اسم رمزی برای رهیافت سازنده و آتیه‌نگر نسبت به مسایل جهانی است و امکان گردهم‌آیی و مشارکت رهبران سیاسی، رهبران تجاری، دانشگاهیان و صاحبان رسانه‌ها را فراهم می‌آورد.

- ۱۹۹۵- چالش‌های فراتر از رشد  
 ۱۹۹۶- جهانی شدن پایدار  
 ۱۹۹۷- ایجاد جامعه شبکه‌ای  
 ۱۹۹۸- اولویت‌ها برای قرن بیست و یکم  
 ۱۹۹۹- مدیریت تأثیر جهانی شدن  
 ۲۰۰۰- سرآغازی جدید: ایجاد تغییر

### در ۲۰۰۱ چه گذشت؟

توسعه یافته و در حال توسعه؛ شکاف بین کسانی که به تکنولوژی اطلاعات دسترسی دارند و از انقلاب اینترنتی بهره می‌برند و کسانی که برای آنها اینترنت هنوز یک رویای دست نیافتنی است؛ شکاف بین دارندگان «دانش» و آنهایی که فاقد «دانش» هستند؛ شکاف بین کشورهایی که در آنها مراقبت‌های بهداشتی یک واقعیت روزمره است و کشورهایی که در آنها حتی اساسی‌ترین امکانات بهداشتی مهیا نیست. چالش‌های اجتماعی، سیاسی و قومی ایجاد شده توسط تأثیر انباشتی جهانی شدن و انقلاب در تکنولوژی اطلاعات و بیوتکنولوژی، به شیوه‌ای بی سابقه، توانایی رهبران ما، شاخصه‌های اخلاقی سنتی ما و توانایی جمعی ما برای طراحی رهیافت‌های منتهی به یک جامعه جهانی فراگیرتر را به محک آزمون نهاده‌اند.

اجلاس سالانه مجمع اقتصاد جهانی در داووس در سال ۲۰۰۱ به بحث پیرامون تدوین استراتژی‌هایی برای «برطرف ساختن شکاف‌ها» و تعیین مسیر آینده جهان پرداخت. در این اجتماع منحصر به فرد، رهبران بلندپایه سیاسی و بازرگانی، شهروندان علاقمند، دانشگاهیان و متفکرین، چالش‌های فراروی جهان امروز را مورد بررسی و کنکاش عمیق قرار دادند.

اجلاس سال ۲۰۰۱ به گفته فردریک سیکر (Frederic Sicer)، از مدیران مجمع، توأم با موفقیت‌های زیادی بود. این اجلاس آگاهی اعضا را نسبت به دیدگاه جنوب در قبال روند

اجلاس سال جاری مجمع اقتصاد جهانی از ۲۴ تا ۳۰ ژانویه در داووس برگزار شد. این اجلاس سی و یکمین اجلاس این مجمع محسوب می‌شد و موضوع آن «رشد پایدار و بر طرف ساختن شکاف‌ها: چارچوبی برای آینده جهان» بود.

این اجلاس در حالی کار خود را آغاز کرد که ما وارد مرحله‌ای شده‌ایم که فرصت‌هایی بی سابقه پیش روی ما می‌نهد و در عین حال توأم با چالش‌های مهیب است. بنابر همه معیارها، اقتصاد جهانی تاکنون به این اندازه قدرتمند نبوده است. ما تازه در آغاز راه بهره‌برداری از فرصت‌هایی قرار داریم که اینترنت و تکنولوژی اطلاعات در اختیار ما قرار داده‌اند. انقلاب بیوتکنولوژی دامنه جدیدی از فعالیت‌ها را ایجاد کرده است و در نبود بحران‌های بزرگ بین‌المللی و تهدیدات عمده فضایی مساعد برای توسعه اقتصادی و اجتماعی پدید آمده است.

اما هرگز پیش از این، «شکاف‌ها» نیز تا این حد عظیم نبوده‌اند. شکاف بین کشورها

## مجمع و واکنش‌های منفی نسبت به فرآیند جهانی شدن

یکی از مباحث مطروحه در اجلاس ۲۰۰۱ مجمع اقتصادی جهانی در داووس اختصاص به جهانی شدن و واکنش‌های منفی نسبت به آن داشت. افزایش نگرانی عمومی پیرامون جنبه‌های گوناگون جهانی شدن مخالفت‌های صریحی را دامن زده است که اغلب توسط سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی و گروه‌های مردمی رهبری می‌شود. واکنش‌های منفی فزاینده و تجلیات علنی آشکار آن فرآیند جهانی شدن را با مشکلاتی روبرو ساخته است. در اجلاس ۲۰۰۱ داووس این موضوع به بحث گذاشته شد که چگونه می‌توان با این ترس‌ها و نگرانی‌ها برخورد کرد و به شیوه‌ای سازنده و معنی‌دار به آنها پاسخ داد.

در چند سال گذشته شاهد افزایش اعتراضات عمومی علیه جهانی شدن اقتصادی بوده‌ایم، مهم‌ترین این اعتراضات هنگام برگزاری اجلاس سازمان تجارت جهانی در سال ۱۹۹۹ در سیاتل واقع در ایالت واشینگتن روی داد و در جریان آن جمعیتی حدود ۳۰/۰۰۰ تظاهرکننده دست به اعتراض زدند. مخالفت عمومی با جهانی شدن شکاف سیاسی جدید و مهمی را پدید می‌آورد که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. مخالفت با جهانی شدن دسته‌ها و گروه‌های مختلفی را شامل می‌شود؛ از جمله کارگران که نگران از دست دادن شغل‌های خود در نتیجه استفاده از نیروی کار کارگران کشورهای

جهانی شدن افزایش داد. همچنین در این اجلاس به مسایل مهم جهانی نیز پرداخته شد. به ویژه مسئله شیوع بیماری ایدز در جنوب آفریقا، اختلافات داخلی در زیمبابوه، فرآیند صلح خاورمیانه و جلب سرمایه‌گذاری‌های خارجی مورد بحث قرار گرفت.

از جمله شخصیت‌های معروفی که در این اجلاس شرکت داشتند می‌توان از وینسنت فاکس، رئیس جمهور مکزیک، یوشیرو موری، نخست‌وزیر ژاپن، الکساندر کواسنیفسکی، رئیس جمهور لهستان، نور سلطان نظربایف، رئیس جمهور قزاقستان، نامبار انخبیاری، نخست‌وزیر مغولستان، آندرس پاسترانا، رئیس جمهور کلمبیا، آلکسی کودرین، معاون نخست‌وزیر و وزیر دارایی روسیه، سوپاچای پانیچپاکدی، معاون نخست‌وزیر و وزیر بازرگانی تایلند و نیز شیخ حمد بن خلیفه آل ثانی، امیر قطر، شیخ سلمان بن حمد آل خلیفه، ولیعهد بحرین، شیخ محمد بن راشد آل مکتوم، ولیعهد دبی، تابو امبکی، رئیس جمهور آفریقای جنوبی، اولوسگون اوباسانجو، رئیس جمهور نیجریه، جواکیم آلبرتو چیسانو، رئیس جمهور موزامبیک، عبدالله واده، رئیس جمهور سنگال و از کشورهای بالکان، ویچسلاو کوشتینتسا، رئیس جمهور یوگسلاوی، رفپ میدانی، رئیس جمهور آلبانی، پتاراستویانف، رئیس جمهور بلغارستان و استپان مسیچ، رئیس جمهور کرواسی و نیز چهره‌های شاخص دانشگاهی نظیر الای ویزل و پل کندی نام برد.

هستند که در آنها میزان دستمزدها پایین است، گروه‌های حقوق بشر که خواهان آن هستند که دستمزد عادلانه‌ای به کارگران داده شود و با آنها به صورت انسانی رفتار شود، گروه‌های

هوادار محیط زیست که از این نگران‌اند که جهانی شدن باعث تشویق شرکت‌ها به احداث کارخانجات خود در کشورهایی شود که در آنها استانداردهای زیست‌محیطی با شدت اعمال نمی‌شود و بالاخره مردم‌گرایی که احساس می‌کنند جهانی شدن باعث می‌شود کنترل خود را بر روی زندگی‌شان از دست بدهند. اما یک موضوع واحد و فراگیر همه این گروه‌ها را با هم متحد می‌سازد: خشم و عصبانیت از آنچه

که آن را سوءاستفاده همیشگی از قدرت توسط افرادی می‌دانند که در فواصل دوردست قرار دارند. درصد زیاد و فزاینده‌ای از مردم، آن‌گونه که از اعتراضات مزبور برمی‌آید، معتقدند که شتاب در جهانی شدن خطرات ذاتی خود را به دنبال دارد و نهادهای گرداننده موجود نمی‌خواهند حرکت آن را به سوی جلو متوقف سازند و یا توانایی آن را ندارند.

هواداران جهانی شدن معتقدند که شکوفایی اقتصادی کلید حفاظت از محیط زیست و حقوق کارگران است و جهانی شدن سریع‌ترین راه - و احتمالاً تنها راه - نیل به شکوفایی است. از دیدگاه آنها، شرکت‌های چندملیتی، تکنولوژی، دانش فنی و سرمایه را به محل‌های فعالیت خود منتقل می‌سازند و اغلب به همراه خود استانداردهای برتر حفاظت از محیط

زیست را می‌آورند؛ بسیاری از شرکت‌های چند ملیتی استانداردهای زیست‌محیطی کشور خود را در کلیه تأسیساتشان در سرتاسر جهان اعمال می‌کنند.

نهایتاً، باید با عمل و نه حرف به نگرانی‌های عمومی درباره جهانی شدن پاسخ داد. نهادهای طرفدار جهانی شدن نیاز به تدوین سیاست‌هایی دارند که از نگرانی عمومی نسبت به تأثیرات جهانی شدن بر بهداشت محیط زیست، حقوق کارگران و تنوع فرهنگی بکاهد. آنها همچنین باید در سطحی وسیع‌تر با واقعیت‌نگرانی عمومی گسترده و فزاینده در مورد عدم توانمندی مردم در چارچوب اقتصاد جهانی شده مقابله کنند.

این فرآیند هم‌اکنون آغاز شده است. شرکت‌ها در حال تلاش برای ارتقای سطح زندگی چهار میلیارد افراد فقیری هستند که در سراسر جهان زندگی می‌کنند. آنها شفافیت اطلاعات را به تدریج در سرلوحه کار خود قرار می‌دهند.

در آغاز مباحثات مریلین نلسون (Nelson Marilyn)، مدیر اجرایی شرکت کارلون از ایالات متحده که ریاست جلسه را برعهده داشت، پیشنهاد کرد که به جای استفاده از عبارت «واکنش‌های منفی» از «گفتگو» صحبت شود و مصرانه خواستار شد که نظراتی که در خارج از داووس بیان می‌شود، مورد توجه قرار گیرد. او از شرکت‌کنندگان در بحث خواست که صرفاً یک نقطه نظر را بیان نکنند بلکه نشان دهند که چگونه خودشان استانداردها را در سازمان‌های



خود ارتقا داده و «گفتگو» را تشویق کرده‌اند. سپس، جان سوئینی (John Sweeney)، رییس فدراسیون‌های کارگری و کنگره سازمان‌های صنعتی آمریکا (AFL-CIO) بیان داشت: «ما شاهد واکنش منفی نیستیم بلکه شاهد درد و رنج فراوان هستیم. ما شاهد نوعی جنبش بین‌المللی جدید هستیم که ماهیتی از پایین به بالا دارد و از میادین عمومی نشأت می‌گیرد و نه از اتاق‌های جلسات». او به جنبش‌های دانشجویی اشاره کرد که علیه کارگاه‌های کوچکی به راه افتاده است که در آنها نیروی کار شدیداً تحت استثمار قرار می‌گیرد. او در ادامه اظهار داشت که اتفاقات پدید آمده در سیاتل را باید به فال نیک گرفت، چرا که باعث شد سازمان تجارت جهانی (WTO) پاسخ‌گوی اعمال خود گردد. ما توانسته‌ایم دستور کار سازمان‌های مختلف از جمله این سازمان را تغییر دهیم و اینک زمان آن فرا رسیده است که به اقداماتی از قبیل بخشودگی بدهی‌ها، افزایش کمک‌ها و حمایت بیشتر بانک جهانی از آموزش و بهداشت مبادرت شود.

تابو امبکی (Thabo Mbeki)، رییس جمهور آفریقای جنوبی سخنان خود را با ذکر این نکته آغاز کرد: «به نظر من نکته‌ای که آقای سوئینی به آن اشاره کرد سخن بسیار درستی است. بین‌المللی‌گرایی جدید چالش عمده زمانه ما را تشکیل می‌دهد». او در ادامه گفت که نظرش نظر کسی است که از قاره آفریقا می‌آید یعنی قاره‌ای فقیر و به حاشیه‌رانده شده که زیر بار بدهی‌های سنگین دست و پا می‌زند و خواهان کمک دیگران است. به ما گفته می‌شود که جهانی شدن همین است. اما مشکلات فقرا تنها متعلق به خود آنان نیست. امبکی سپس این پیشنهاد را مطرح ساخت که بخشودگی بدهی‌ها به نفع همگان است و باعث گشایش بازارها بر روی کالاها و محصولات جهان توسعه یافته می‌شود. شاید تنها در این صورت باشد که آفریقایی‌ها بتوانند در کشورهای موطن خود باقی مانده و در وطن خود به مصرف کالاها و محصولات بپردازند و دیگر در جستجوی زندگی بهتر به صورت مهاجر غیرقانونی در کامیون‌های در بسته از مرزها عبور نکنند.

چارلز او. هالیدی (Charles O. Holliday)، رییس و مدیر اجرایی کمپانی معروف آمریکایی دویون توسعه پایدار را مترادف با مسئولیت جمعی دانست. وی چنین بیان داشت که جهانی شدن مساوی است با جریان آزاد کالاها، تکنولوژی و نیز افکار و عقاید. جهانی شدن همانند رودخانه مزایا و مضاری دارد. هالیدی در ادامه چنین اظهار داشت که تأثیر جهانی سازمان ملل متحد شروع خوبی برای تسریع همکاری بین بخش خصوصی، دولت‌های ملی و جامعه مدنی است. وی گفت که کمپانی دویون معتقد به فرآیند «یادگیری از طریق عمل» است و ذکری از یک تلاش مشترک اخیر به عمل آورد که مدیران اجرایی دویون و سازمان‌های غیردولتی عمده در آن مداخله داشتند و با هدف نیل به راه‌حل‌های مشترک، ملموس و مفید سازماندهی شده بود.

نیست که جریان تکنولوژی و تجارت آزاد را متوقف سازیم.

### آیا جهانی شدن منافی دربر دارد: دیدگاه

#### جنوب

یکی دیگر از نشست‌های اجلاس ۲۰۰۱ داووس در ارتباط با دیدگاه‌های جنوب پیرامون فرآیند جهانی شدن بود که در تاریخ ۱ فوریه برگزار شد. رهبران دولت‌های جنوب به رهبران تجارت و بازرگانی جهان خاطر نشان ساختند که جهانی شدن همچنان امری مطلوب و در واقع گریزناپذیر است، اما همکاری بیشتر برای منصفانه‌تر ساختن این فرآیند و کاستن از شکاف در حال افزایش میان کشورهای فقیر و غنی ضرورت دارد. سخنرانان اصلی این نشست که از کشورهای در حال توسعه بودند سیاست‌هایی را که موجب تقویت همگرایی تجاری و اقتصادی به زیان کشورهای فقیر می‌شود، بیان نمود.

بنجامین ویلیام امکاپا (William Mkapa)، رییس جمهور تانزانیا اظهار داشت: «شواهد و قراین بیشتر برکنار گذاشتن کشورهای در حال توسعه از این فرآیند دلالت دارد تا ادغام آنها در آن و محروم‌سازی این کشورها بیشتر ملموس است تا نفع رساندن به آنها».

در آغاز نشست، سخنرانان اصلی گرایش کشورهای ثروتمند به تعقیب منافع خود به نام جهانی شدن را تقبیح کردند و خواستار مشارکت بیشتر در چارچوب یک برنامه کار جهانی شدند تا بدین وسیله از آسیب وارده توسط فرآیند

واندانا شیوا (Vandana Shiva)، مدیر بنیاد پژوهشی علوم، تکنولوژی و اکولوژی هند نیز ضمن اعلام موافقت خود بانظرات سوئینی چنین بیان داشت که ما واکنش‌های منفی نسبت به جهانی شدن از خود نشان نمی‌دهیم. ما خواهان تحقق وعده‌هایی هستیم که پیرامون احترام به حقوق افراد داده شده است. اعتراضات بسیار عظیم در هند نیز در تلاش برای دفاع از جامعه و اجتماعات محلی در برابر تهاجم جهانی شدن صورت می‌گیرد. وی در ادامه گفت: قوانینی که بر روی کاغذ نوشته شده‌اند خشونت‌ناکی را که در آنها نهفته است، در نظر نمی‌گیرند. این امر به ویژه در قوانین مربوط به مالکیت معنوی مصداق دارد، قوانینی که به موجب آنها از توزیع ارزان قیمت داروها در میان فقرا جلوگیری می‌شود و حق‌الامتیازهایی که بر اساس آنها حقوق انحصاری به وجود می‌آید.

جیمزدی وولفنسون (James D. Wolfensohn)، رئیس‌بانک جهانی سخنان خود را این گونه آغاز کرد: «من با آقای سوئینی در این مورد موافقم که باید از گفتگو استقبال کنیم». اما نیروهایی که فرآیند جهانی شدن را به پیش می‌برند دیرزمانی است که فعالیت خود را آغاز کرده‌اند و رشد آتی جمعیت جهانی که تقریباً کل آن مربوط به کشورهای در حال توسعه می‌شود، موضوعی است که باید همه مارانگران سازد. جهان نیازمند آن است که به موضوعاتی مانند فقر، برابری و عدالت بپردازد. اما دعوت به رسیدگی به این امور و تلاش در جهت اصلاحات دلیلی بر آن

جهانی شدن بر اقتصادهای نوپا کاسته شود.

سوپاچای پانیچپاکدی (Panitchpakdi) معاون نخست وزیر تایلند و رییس آینده سازمان تجارت جهانی ابراز داشت: «ما نیاز به هماهنگی جهانی سیاست های اقتصادی داریم».

کلود اسماجا (Claude Smadja) از مدیران مجمع اقتصاد جهانی سخنان خود را با اذعان به این مطلب آغاز کرده که جهانی شدن تاکنون ثمراتی ببار نیاورده است. او گفت: «جهانی شدن نمی تواند خیابانی یک طرفه باشد. مادر مدیریت جهانی شدن به فرآیندی متوازن تر نیاز داریم».

پرزیدنت امکاپا، رییس جمهور تانزانیا گفت کشورهایمانند تانزانیا هنگامی می توانند در اقتصاد جهانی نقش داشته باشند که دولت ها و شرکت ها در جهان صنعتی به آنها این فرصت را اعطا کنند که برای انجام این کار محیط مناسبی را فراهم کنند. اما او این مسئله را مورد شک و تردید قرار داد که شمال ثروتمند در میل خود نسبت به تسهیم منافع جهانی شدن صادق باشد. او گفت: «علیرغم وعده افزایش تجارت، رشد اقتصادی و ریشه کن ساختن فقر، فقیرترین کشورهای جهان نسبتاً فقیرتر می شوند و شکاف دیجیتالی در حال تعمیق است».

«امکاپا» همچنین نسبت به یک شکاف جدید و نگران کننده هشداد داد در حالی که ایدز در شمال تا حدودی کنترل شده است، در جنوب به صورتی بی امان بیداد می کند. او گفت که در زمینه ارزش زندگی بشر نیز شکافی در حال پدید آمدن است.

جهانی شدن تنها در صورتی در آفریقا هواخواه پیدا خواهد کرد که بتواند ثمراتی ببار آورد. «امکاپا» به ویژه به زیرساخت های ضعیف آفریقا، سهم در حال کاهش این قاره از تجارت جهانی و بدهی های خارجی فزاینده آن اشاره کرد و گفت جهانی شدن باید همراه با سرمایه گذاری های بیشتر و کاستن از بار بدهی ها باشد.

یاشوانت سینها (Yashwant Sinha) وزیر دارایی هند در ادامه نشست افزود: «چالش عبارت از این است که منافع نظری متصور از جهانی شدن را چگونه می توان به منافع و مزایایی واقعی تبدیل نمود.» برای مثال، در هند اقتصاد جهانی به دوردست ترین مناطق در قالب تلویزیون های ماهواره ای راه یافته است. او خاطر نشان ساخت که مردم ساکن در حوزه نمایندگی اوباعلاقه جنجال حاصله از انتخابات اخیر ریاست جمهوری در آمریکا را تعقیب می کردند. او گفت: «جهانی شدن که در سیاست آزادسازی سرمایه گذاری و تجارت در هند تبلور یافته است به رشد اقتصادی در این کشور کمک نموده است.»

اما معیاری دوگانه هنگام به وجود آوردن رشدی پایدار همچنان وجود دارد. در حالی که غرب ممکن است در مورد خطرات گسترش نامحدود به موعظه بپردازد، این شیوه زندگی اسراف کارانه غرب است که بیشترین تهدید را متوجه محیط زیست می سازد.

سینها همچنین سیاست های مهاجرت را که

باعث فرار مغزها از کشورهای در حال توسعه می‌شوند، محکوم نمود. وی با ذکر آماری از یک مجله آلمانی یادآور شد که ۳۸ درصد کل دکترهای آمریکا و ۱۲ درصد دانشمندان این کشور را هندی‌ها تشکیل می‌دهند. هندی‌ها همچنین بخش عظیمی از نیروی کار را در شرکت‌هایی مانند مایکروسافت، آی بی ام و غیره تشکیل می‌دهند.

او اعلام کرد که «زمان آن فرا رسیده است که شمال این واقعیت را درک کند که نقاط قوتی نیز در جنوب وجود دارد. جنوب به دنبال گرفتن صدف نیست، بلکه مادرپی فرصت‌های برابر هستیم.»

مارکوس وینیسیوس پراتینی دموراس (Marcus Vinicius Pratini de Moraes)، وزیر کشاورزی و عرضه مواد غذایی برزیل از یارانه‌های کشاورزی برای نمایش همین معیارهای دوگانه استفاده کرد. کشورهای غنی جهان در روزیک میلیارد دلار صرف یارانه‌های کشاورزی می‌نمایند و بدین ترتیب از قیمت محصولات کاسته و مانع سرمایه‌گذاری‌های جدید شاورزی در کشورهای در حال توسعه می‌گردند. به علاوه، مقررات مربوط به کیفیت بهداشتی به گونه‌ای ناعادلانه و در جهت حمایت از کشتکاران داخلی به کار بسته می‌شوند. او گفت: «اگر ما بخواهیم مطمئن شویم که کشورهای در حال توسعه نیز از نتایج جهانی شدن نفع می‌برند، باید تضمین کنیم که محصولاتشان به لحاظ صادرات در بازارهای

بین‌المللی رقابتی باقی بمانند.»

سوپاچای با اشاره به شکست مذاکرات تجاری سال گذشته در سیاتل یادآور شد که اکثر کشورهای آری که برای گفتگو آمده بودند آماده مذاکره نبودند. او گفت: «برای اینکه کشورها موضع انعطاف‌پذیری اتخاذ کنند، نیاز به زمان وجود دارد. اما مذاکرات تجاری آتی همچنین باید تقاضاهای کشورهای در حال توسعه را بیشتر مدنظر قرار دهد.» سوپاچای گفت: «لازم است برنامه کار توسعه در دور جدید مذاکرات گنجانده شود.»

او گفت: بحران مالی آسیا به مخاطرات جهانی شدن تاکید می‌نهد. وضعیت بازارهای مالی آنچه را که می‌توانست واکنشی ملایم نسبت به بعضی از شرکت‌ها باشد که با برداشت بیش از حد سرمایه روبرو شده بودند، بسیار تشدید کرد. او گفت: «درسی که باید از این بحران گرفت این خطر است که فاجعه در یک بازار سریعاً به دیگر بازارها سرایت می‌کند و برای جلوگیری از بحران‌های آتی به همکاری بین‌المللی بیشتری نیاز دارد.»

### آیا تکنولوژی می‌تواند فقر را کاهش دهد؟

نشست دیگر اجلاس ۲۰۰۱ داووس به بحث پیرامون این سؤال اختصاص داشت که «آیا تکنولوژی می‌تواند فقر را کاهش دهد؟» پاسخ نمونه ماریا فیگوئرس (Maria Figueres) مدیر مرکز برنامه کار جهانی در مجمع اقتصاد جهانی این بود: «آری». بحث‌ها در این زمینه ادامه

یافت که چگونه می‌توان اینترنت را در دسترس مردمی قرارداد که فاقد آن هستند و این که آیا در فرآیند توسعه اتصال به شبکه نیز باید به دنبال غذا و مراقبت‌های بهداشتی مدنظر قرار گیرد. او گفت: برنامه‌های کمک‌های خارجی و چند جانبه تأکید اندکی بر پر کردن شکاف دیجیتالی دارند. «وی همچنین این سؤال را مطرح کرد که آیا صنایع دارای تکنولوژی پیشرفته منابع کافی برای قرارداد اینترنت در دسترس فقرا در جهان اختصاص می‌دهند؟» جان گیج (John Gage)، محقق ارشد و از مدیران شرکت سان مایکروسیستمز آمریکا تأکید نمود که مقصود از بردن تکنولوژی به میان جوامع فقیر تنها کارآمدتر ساختن آنها به لحاظ اقتصادی از طریق پیوند داد نشان با بازارهای جدید نیست، بلکه همچنین اینترنت افراد را قادر می‌سازد تا رفتارشان را در جهتی مثبت تغییر دهند - برای مثال، بیموزند که چگونه از یک کودک بیمار مراقبت نمایند، یا اینکه ویروس HIV چگونه انتقال پیدا می‌کند. او این تکنولوژی‌ها را دارای جنبه تلقینی دانست و چنین اظهار نظر کرد: «ما نیاز به این داریم که در هر مدرسه‌ای امکانات اینترنتی وجود داشته باشد و اطلاعات به چندین زبان در اختیار همگان قرار گیرد». او همچنین گفت که پر کردن شکاف دیجیتالی نیازمند «تکنولوژی مقررات» است - یعنی اصلاح نهاد وضع‌کننده مقررات به گونه‌ای که موانع مخابراتی موجود در بسیاری از کشورها برطرف شود.

جاکوب نیلسن (Jakob Nielsen)، رییس

گروه نیلسن نورمن، از آمریکا اظهار داشت که شکاف دیجیتالی به سه مرحله تقسیم می‌شود؛ شکاف اقتصادی، شکاف در زمینه توانایی استفاده و شکاف در توانمندی. شکاف اقتصادی به واسطه فاصله‌ای که میان درآمدها و هزینه‌های یک رایانه وجود دارد، پدید می‌آید. او گفت این شکاف از میان نخواهد رفت، اما کاهش قیمت رایانه‌ها به تدریج از آن خواهد کاست. هنگامی که این امر اتفاق بیفتد، دو مرحله باقیمانده برجستگی بیشتری خواهند یافت. او بیان داشت که هنوز استفاده از رایانه برای اکثر مردم حتی در کشورهای صنعتی بسیار دشوار است. همین امر در مورد استفاده از وب سایت‌ها نیز مصداق دارد. در جهان در حال توسعه، «در دسترس قرارداد رایانه مشکلی را حل نمی‌کند». لازم است به مردم در زمینه استفاده از اینترنت آموزش داده شود. همچنین تلاش‌هایی باید صورت گیرد تا از محدود ساختن دسترسی به اینترنت توسط دولت‌ها ممانعت به عمل آید.

آنورا دویتاچی (Anuradha Vittachi)، مدیر بنیاد بین‌المللی وان‌ورلد در انگلستان نشان داد که چگونه اطلاعات می‌تواند باعث توانمندی روستاییان شود. وی با نقل داستان گروهی از روستاییان در غرب هند - به توصیف این ماجرا پرداخت که چگونه آنها پس از وادار ساختن مقامات برای پاسخگویی در زمینه اینکه چگونه پول اختصاص یافته به احداث مدارس جدید در محل دیگر صرف شده است، نهضتی مردمی برای شفافیت بیشتر امور دولتی به راه انداختند،

قرار دارد که برای بالا بردن سطح زندگی مردم از اهمیت برخوردار است و آنها باید هزینه توسعه این خطوط را بپردازند - تأکید کرد. همچنین او اظهار عقیده کرد که سازمان‌های غیر دولتی باید اطلاعات روز آمدی که برای روستاییان فقیر مناسب باشد مهیا سازند و این اطلاعات باید به زبان‌های بومی آنها باشد.

راجندرا پوار (Rajendra Pawar) رییس NIT هند گفت که اینترنت بیشتر پدیده‌ای اجتماعی است تا تکنولوژیکی. او بر اهمیت آنچه که آن را «سیستم‌های خود سامان دهنده» در گسترش این پدیده‌ها در میان مردم خواند، تأکید کرد. او توضیح داد که چنین سیستمی در پشت سر اجتماع سازمان نیافته‌ای قرار دارد که هر ۱۲ سال یک بار مردم را برای برگزاری یک عید مذهبی که هم اینک در هند برگزار می‌شود، گرد هم می‌آورد. همین سازوکار تبیین کننده انفجار فاقد نظم و ترتیب دسترسی به تلویزیون کابلی در کشور است. اینترنت نیز سیستمی خود سامان دهنده می‌باشد که دارای توان بالقوه برای ایجاد یک مدل جدید اقتصادی است. او افزود: «مع‌هذا، اینترنت نمی‌تواند به صورت خودجوش گسترش یابد.»

#### تجارت و سازمان‌های غیردولتی: از مخالف

##### خوانی یک طرفه تا گفتگوی دو طرفه

یکی دیگر از نشست‌های اجلاس ۲۰۰۱ داووس به تلاقی میان شرکت‌های تجاری و محافل بازرگانی با سازمان‌های غیردولتی اختصاص

ویناچی گفت: «فقرا خود اطلاعات را لازمه احقاق حقوق از دست رفته خود می‌دانند.» او چنین اظهار نظر کرد که «کشورهای توسعه یافته نمی‌توانند تکنولوژی را به صورت صدقه در اختیار کشورهای فقیر قرار دهند.» این نوع صدقه دادن نمی‌تواند نظامی را که در وهله نخست باعث فقیر کردن افراد شده است، تغییر دهد. او گفت: «فساد از توزیع عادلانه ثروت جلوگیری می‌کند و شفافیت بیشتری که اینترنت فراهم آورده است به کاهش آن کمک خواهد کرد.» او در ادامه گفت: «بگذارید که تکنولوژی، دزدی را دشوارتر سازد.»

راج ردی (Raj Reddy)، استاد علوم رایانه در دانشگاه کارنگی ملون از کشور آمریکا بیان داشت که او هنوز از اجلاس امسال هیچ‌گونه توصیه مشخصی پیرامون چگونگی پر کردن شکاف دیجیتالی نشنیده است. او گفت: «کسب دانش و شناخت برای کاهش فقر از اهمیت حیاتی برخوردار است» و خاطر نشان ساخت که «چگونه آموزش و سواد به ژاپن و آلمان امکان داد تا از خرابی‌های جنگ جهانی دوم سر بلند کنند، در حالی که جمعیت نسبتاً عقب افتاده هند همچنان فقیر باقی مانده‌اند.» وی از مجمع اقتصاد جهانی تقاضا کرد تا از شرکای صنعتی خود مصرانه بخواهد تا اینترنت را برای روستاییان بی‌سواد و کم درآمد که از داشتن نعمت برق نیز بی‌بهره‌اند، مفید و قابل استفاده سازند. وی همچنین بر لزوم صرف هزینه برای ایجاد خطوط مخابراتی - که در زمره زیرساخت‌هایی

داشت. برگزاری تظاهرات، که به ویژگی مشترک رویدادهای عمده بین‌المللی تبدیل شده است، مسئله «گرداندگی امور» یا (Governance) را مطرح نموده است. کلود اسماجا، از مدیران مجمع اقتصاد جهانی چنین اظهار داشت که در میان کلیه نااطمینانی‌هایی که درباره جهانی شدن و انقلاب تکنولوژی اطلاعات وجود دارد، سازمان‌های غیردولتی به عنوان سخنگویان مردمی ظاهر شده‌اند که نگران آنچه هستند که در حال اتفاق برسر کیفیت زندگی و اخلاقیات اجتماعی است. جهان سیاسی قادر به ایفای نقش خود نبوده است و محافل بازرگانی و تجاری نیز بسیار متکبر به نظر می‌آیند. سازمان‌های غیردولتی قصد پرکردن این خلأ را داشته و ابراز وجود کرده‌اند. اسماجا این‌گونه بیان داشت: «ما در مرحله حساسی قرار داریم و نیازمند یافتن راهی برای اطمینان از این مساله هستیم که گفتگویی سازنده بین محافل بازرگانی و تجاری و جامعه مدنی صورت گیرد.»

جک گرینبرگ، رییس و مدیر اجرایی شرکت مک‌دونالد در آمریکا به شرکت‌کنندگان چنین اظهار داشت: «مسئولیت اجتماعی برای مشتریان ما مهم است. شهروند خوب بودن و برقراری ارتباط با سازمان‌های غیردولتی و اجتماعات، منافع بازرگانی در بردارد. خوب کارکردن و کار خوب ارائه دادن به طور فزاینده‌ای به هم مربوط می‌گردند.» وی سپس قواعدی را برای گفتگو میان محافل تجارت و بازرگانی و سازمان‌های غیردولتی پیشنهاد کرد:

- برقراری ارتباط آزاد  
- شنیدن نظریات یکدیگر برای نیل به تفاهم  
- بیگانه تصور کردن دیگران  
- رفتار توأم با احترام

سپس گرینبرگ گفت که غالباً توانایی، قدرت و نفوذ محافل بازرگانی برای حل مشکلات بیش از آنچه که هست تصور می‌شود. او بر این نکته تأکید ورزید که شرکتش مستحق این نیست که هدف اعترافات ضد جهانی شدن قرار گیرد، چرا که دارندگان جواز مک‌دونالد اغلب از مردم محلی هستند که کالاهای مورد نیاز خود را از همان محل خریداری می‌کنند و در جوامع خود به ایجاد اشتغال می‌پردازند.

تیلو بوده (Thilo Bode)، مدیر اجرایی جنبش بین‌المللی صلح سبز از هلند اظهار داشت که در واقع گفتگو میان شرکت‌ها و سازمان‌های غیردولتی چیز جدیدی نیست. برای مثال، صلح سبز سالهاست که در حال گفتگو با صنایع ماشین‌سازی است. گاه شرکت‌ها اعتبار یک ابتکار و یا تدابیر اصلاحی را به خود نسبت می‌دهند و این درحالی است که در واقع یک سازمان غیردولتی نظیر صلح سبز آنها را به سمت این اقدام سوق داده است. «بوده» گفت که این خواسته از سازمان‌های غیردولتی که از اعتراضات شفاهی، تظاهرات یا مخالف خوانی‌های خود دست بردارند، غیر واقع بینانه است.

واقعیت این است که اگر سازمان‌ها به طور علنی و آشکار نظرات خود را ابراز نمایند، بعید است که شرکت‌ها باب گفتگو را بگشایند. «بوده»

نمی‌توانم فرآیند جهانی شدن را متوقف ساخت، اما شکل آن را می‌توان تعدیل نمود.»

این سخنانی بود که برکهارد گناریک (Burkhard Gnarig)، مدیر اجرایی، اتحادیه نجات کودکان در انگلستان اظهار داشت. وی بر این اصرار ورزید که مواقعی وجود دارد که سازمان‌های غیردولتی باید مردم را بسیج کنند تا مانع از اجرای یک تصمیم‌گیری سیاسی و یا یک اقدام از جانب شرکت‌ها شوند.

هندریک ورفایی (Hendrik Verfaillie)، رییس و مدیر اجرایی شرکت دونسانتو در آمریکا گفت در حالی که برقراری ارتباط با اکثریت سازمان‌های غیردولتی فی‌نفسه کاری ارزشمند است، اما برخی از آنها بیشتر علاقمند به جنجال و تخریب هستند تا انجام گفتگوهای جدی برای مقابله با مشکلات.

به عنوان پایان بخش گزارش داووس - ۲۰۰۱ سخنان آقای جیمز وولفنسون، رییس بانک جهانی را می‌آوریم که ضمن آن که بیان جان مایه نشست مجمع در سال جاری است، رویکرد مورد تاکید یا مورد تبلیغ آن را نیز نشان می‌دهد وی می‌گوید:

به نظر من، ما نباید صرفاً این گونه واکنش نشان دهیم که مشکل در جهانی شدن نهفته است. در واقع باید گفت که مشکل فقدان دموکراسی است. مشکل فقدان احترام به حقوق افراد است، مشکل در نبود برابری است. مشکل عدم اجرای عدالت است.

این مطلب را که شرکت‌ها واقعاً سازمان‌های غیردولتی را درک می‌کنند مورد شک و تردید قرارداد. مدیران اجرایی شرکت‌ها در این اجلاس بیشتر علاقمند به کاستن فشار از اقتصاد آمریکا هستند تا گرم شدن کره زمین، گویی آنها در جهان متفاوتی زندگی می‌کنند. او پیشنهاد کرد که مجمع اقتصاد جهانی موضوع قربانیان گرم شدن کره زمین را در داووس مطرح نماید، منظور از قربانیان ساکنان جزایری هستند که در حال غرق شدن در اقیانوس‌ها می‌باشند. او در ادامه گفت که مدیران اجرایی شرکت‌ها به سخنان من گوش می‌دهند، اما مرادک نمی‌کنند و چنین اظهار داشت که ملاقات بین جنبش صلح سبز و مجمع اقتصاد جهانی و مدیران اجرایی شرکت‌ها ثمرات مفیدی در برداشته است. اما باید کاری کرد تا این گفتگوها حالت عملی پیدا کنند.

پیرسانه (Pierre Sane)، عضو بین‌الملل چنین استدلال کرد که بدون سازمان‌های غیردولتی، جهان از آنچه که اکنون هست شکل بدتری پیدا می‌کرد؛ جنبش‌های اجتماعی در پاسخ به سیاست‌های نامناسب یا مشکلات بوجود آمده توسط سیاست‌گذاران پدید می‌آیند. «سانه» در ادامه گفت: «تنها در صورتی که جنبش‌های اجتماعی قدرتمندتر شوند، قرن ۲۱ می‌تواند (به لحاظ کارنامه حقوق بشر) از قرن ۲۰ بهتر باشد. گاه، هنگامی که تمام راه‌ها بسته می‌شود و دیگر چاره‌ای وجود ندارد، اقدام رادیکال - حتی خشونت - ضرورت پیدا می‌کند.